

عواطف خانوادگی‌اش را اگرچه شدید است، اما به راحتی فدای افکار و ارزش‌های انقلابی و به گمان او اسلامی‌اش می‌کند. به تعبیر پدرش، «شاید در نظر او عواطف فرزندى با خدمت به اسلام سازگار نیست». همچنین طی دوران مسئولیتش در وزارت امور خارجه، ضمن تأکید بر لزوم مذاکره با لیبی راجع به مسأله‌ی امام صدر، از حامیان جدی گسترش روابط ایران با رژیم رباینده‌ی این بزرگوار بود. آثار مکتوب ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشت که کتاب «انقلاب و دیپلماسی در خاطرات سید محمد صدر» از آن جمله است. امروز پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات وزارت امور خارجه است.

[منابع: انقلاب و دیپلماسی در خاطرات سید محمد صدر؛ در زندان ولایت فقیه؛ فریاد در خاموشی؛ سایت ویکی‌پدیا]

شهید سید محمد صدر [ط ۴]

[رهبر دینی] [آیت‌الله العظمی]

۱۳۶۲ق/۱۳۲۲ش/۱۹۴۳م - ۱۴۱۹ق/۱۳۷۷ش/۱۹۹۹م

فرزند آیت‌الله سید محمدصادق صدر فرزند آیت‌الله سید محمد مهدی صدر فرزند آیت‌الله العظمی سید اسماعیل صدر فرزند آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی بود. فقیهی اصولی و از تأثیرگذارترین مراجع تقلید شیعیان عراق در اوایل قرن پانزدهم هجری قمری بود. در نجف به دنیا آمد. پس از طی مقدمات حوزوی، سال ۱۹۶۴م از دانشکده‌ی فقه نجف فارغ‌التحصیل شد. دروس اجتهادی را عمدتاً نزد آیات عظام سید محسن حکیم، امام خمینی، سید ابوالقاسم خویی و شهید سید محمدباقر صدر گذراند. از استاد اخیرش اجازه‌ی اجتهاد و از برخی بزرگان من جمله پدرش و آیات معظم آقا بزرگ تهرانی، مرتضی آل‌یاسین و حاج آقا حسین خادمی اجازه‌ی نقل حدیث دریافت داشت. پس از سال‌ها تدریس کتب مقطع سطح، از سال ۱۹۸۷م تدریس دروس خارج فقه و اصول را در نجف آغاز کرد. روزهای پنج‌شنبه و جمعه را نیز به تدریس تفسیر قرآن می‌پرداخت. اهل دخالت در عرصه‌های اجتماع و سیاست بود. در تفکر و روحیه‌ی انقلابی از امام خمینی بسیار تأثیر گرفته بود. آرزویش تشکیل حکومت اسلامی در عراق بود. اتحاد اسلامی را میان شیعه و اهل سنت از مهم‌ترین واجبات روزگار می‌دانست. تقیه و سازش با ظلم و بی‌عدالتی را به بهانه‌ی مصلحت جایز نمی‌دید. پیوسته دسایس آمریکا، انگلیس و اسرائیل را علیه امت اسلامی هشدار می‌داد. سه بار طی

سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۷۴ و ۱۹۹۱م توسط حکومت بعث دستگیر، زندانی و شکنجه شد. زندان سومش پس از شرکت فعال در انتفاضه‌ی مردم عراق علیه رژیم صدام بود. پس از حوادث سال ۱۹۹۱م مدتی در منزل گوشه‌ی انزوا اختیار کرد. متعاقب درگذشت آیت‌الله العظمی خویی در سال ۱۹۹۲م، حکومت صدام در اقدامی تفرقه‌افکنانه وی را مرجع رسمی شیعیان عراق خواند و اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی نجف را به وی سپرد. خطر نابودی حوزه‌ی نجف از سویی و پراکندگی و وحشت مردم از سوی دیگر، وی را بر آن داشت تا فداکاری و قبول مسئولیت کند. می‌دانست به همکاری با حکومت صدام متهم خواهد شد. اما برای دفع خطرات فراوان متوجه حوزه و مردم، زیر بار مسئولیت رفت. بزرگان بسیاری از مرجعیتش حمایت کردند. سید جعفر صدر فرزند آیت‌الله العظمی سید محمدباقر صدر نماینده‌ی شرعی‌اش در ایران شد. در تمامی سال‌های مرجعیتش استقلال رأی خود را حفظ کرد. هرگز اجازه نداد حکومت صدام به وی خط دهد یا خواسته‌ای را بر او تحمیل کند. ذره‌ای از مواضع ضد استعماری و ضد استبدادی‌اش کوتاه نیامد. نمایندگانی را به شهرها و روستای مختلف عراق فرستاد تا ضمن رسیدگی به مسائل دینی مردم، نماز جمعه را در محل خود اقامه کنند. خود شخصاً اقامه‌ی نماز جمعه را در نجف عهده‌دار شد. بواسطه‌ی نمازهای جمعه، شیعیان عراق را امیدوار و مجدداً منسجم کرد. به رغم دستور حکومت، هیچ‌گاه اجازه نداد صدام را در نماز جمعه دعا کنند. صریحاً فتوا داد که «دعا برای هیچ بشری غیر از معصوم در نماز جایز نیست». مقابل دادگاه دولتی، دادگاهی اسلامی تشکیل داد تا به جای قانون مصوب حکومت، بر مبنای قانون شرع حکم صادر کند. در اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر قاطع بود. از جمله شبکه‌ی تلویزیونی «الشباب» متعلق به عسّی فرزند صدام را به سبب پخش برنامه‌های مبتذل تحریم نمود. اجرای شعائر و مراسم مذهبی را که رژیم بعث ممنوع کرده بود، از جمله عزاداری‌های حسینی و پیاده‌روی نیمه‌ی شعبان به سوی کربلا، مجدداً برقرار ساخت. اقدامات ایذایی حکومت در بستن راه زائرین را بر نتابید و سکوت علما را نیز در برابر مظالم حکومت با منتهای صراحت محکوم کرد. در آخرین ماه‌های حیاتش توسط صدام از برپایی نماز جمعه منع شد. هشدار صدام را اما وقتی نهاد و از آن پس کفن‌پوش در نماز جمعه حاضر شد. اهل زهد، تقوا و تهذیب نفس بود. سیر و سلوک داشت و اهل معنویت و عرفان بود. زیاد عبادت می‌کرد و بسیار می‌گریست. اخلاص داشت و از ریا به دور بود. خوش اخلاق، متواضع و مردم‌دار بود. بسیار شجاع و سال‌های آخر زندگی را

پیوسته در انتظار و آرزوی شهادت بود. مجموعه‌ی این خصوصیات وی را محبوب دل‌های مردم و مرجعیتش را مقبول همگان ساخته بود. تا جایی که در نماز جمعه‌ی مقارن عید نیمه‌ی شعبان آخرین سال حیاتش، بیش از دو میلیون نفر در مسجد سهله‌ی نجف به وی اقتداء کردند. آثار علمی چاپ شده و نشده‌ی ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشت که «ماوراء الفقه»، «نظرات اسلامیة فی اعلان حقوق الإنسان»، «فقه القضاء»، «فقه الموضوعات الحدیثة»، «أصول علم الأصول» و «موسوعة المهدی» نمونه‌هایی از آنهاست. طبع شعر داشت و قصائد زیبایی را در منقبت اهل بیت (ع) سرود. به سن پنجاه و پنج سالگی همراه دو فرزندش سید مصطفی و سید مؤمل طی عملیاتی تروریستی در نجف توسط عوامل حکومت صدام به شهادت رسید و در همان شهر به خاک سپرده شد. روز شهادتش دوم ماه ذی القعدة بود. پس از شهید سید محمدباقر صدر به «شهید صدر ثانی» شهرت یافت. سید مقتدی صدر فرزند اوست.

[منابع: گلشن ابرار (۴)؛ محمد محمدصادق الصدر (مرجعية المیدان)؛ نبذة مختصرة عن حياة الشهيد السيد

محمد الصدر؛ سایت‌های الصدرین، ویکی‌پدیا و ویکی‌شعبه]

محمد کلباسی [ط ۴]

[مدرس خارج] [آیت‌الله]

۱۳۴۴ق/۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م - ۱۴۲۴ق/۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م

فرزند آیت‌الله میرزا کمال‌الدین (ابوالهدی) کلباسی و مادرش بانو سیده عزت بیگم خادمی فرزند حجت‌الاسلام میرسید علی خادمی فرزند آیت‌الله سید ابوجعفر خادم‌الشریعه فرزند آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی بود. فقیهی اصولی، از مدرسین دروس خارج و از ائمه‌ی جماعات شهر اصفهان بود. در همین شهر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی، سیکل اول متوسطه، همچنین دروس مقدمات و سطح فقه و اصول را در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان آموخت. از مهم‌ترین اساتیدش در این مقطع، آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب بود. با شهید آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی در تمامی دروس اصفهان، هم‌درس، پیش‌مباحثه، هم‌مباحثه و مانوس بود. اواخر سال ۱۳۲۵ش همراه شهید بهشتی به قم کوچید. دروس اجتهادی را در قم نزد آیات عظام حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، امام خمینی، سید محمد محقق داماد، سید محمدرضا گلپایگانی و شیخ محمدعلی اراکی آموخت. فلسفه را در اصفهان